



نگاهی بر روش

میزان

Mizan Educational Complex
(MEC)

گروه مؤلفان:

حمید داد گستر نیا

محمد جواد علی اکبریان

سید حسین رحیمی

طراحی و صفحه آرایی: حمیده قمری

سرشناسه : دادگستر نیا، حمید، ۱۳۴۶ -
 عنوان و نام پدیدآور : نگاهی بر روش میزان / حمیدرضا دادگستر نیا، محمدجواد علی اکبریان، سیدحسین رحیمی.
 مشخصات نشر : تهران: مؤسسه فرهنگ و هنر هدایت میزان، انتشارات فهم، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۱۵۶ص: مصور (رنگی) ۱۵×۱۵ س.م.
 شابک : 978-600-92947-0-1
 موضوع : دبستان میزان
 موضوع : مدرسه های ابتدایی -- ایران -- مدیریت
 شناسه افزوده : علی اکبریان، محمدجواد، ۱۳۶۰ -
 شناسه افزوده : رحیمی، سیدحسین، ۱۳۵۷ -
 رده بندی دنگره : ۱۳۹۱ ۲د۹۴۰۴م/۳۱۵۷۱ GR

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۹۵۵۹۳۴۷ :
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۸۰۴۹۲ :
 تاریخ درخواست : ۱۳۹۰/۱۱/۲۷ :
 تاریخ پاسخگویی : ۱۳۹۰/۱۲/۰۷ :
 کد پیگیری : ۲۶۷۵۶۱۶ :



نگاهی بر روش میزان

حمید دادگستر نیا/ محمدجواد علی اکبریان/ سیدحسین رحیمی
 انتشارات فهم (وابسته به مؤسسه فرهنگ و هنر هدایت میزان)

تلفن: ۶۶۵۲۲۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۹۴۷-۰۰-۱

چاپ اول: ۱۳۹۱

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۶	دیباچه‌ی سخن
۱۰	مقدمه
۱۲	فصل اوّل (تعریف تربیت
۱۴	فصل دوّم (اصول و راهکارهای حاکم بر روش دبستان میزان
۳۵	فصل سوّم (اهداف جزئی تربیتی در دبستان
۴۵	فصل چهارم (سیاست‌های کلی دبستان میزان
۶۲	فصل پنجم (روش‌های موجود در مدارس
۸۲	فصل ششم (روش‌های تدریس در دبستان میزان
۱۰۷	فصل هفتم (موادّ آموزشی دبستان میزان
۱۱۲	فصل هشتم (نقش معلّم در دبستان میزان
۱۲۰	فصل نهم (فعالیت‌های فوق‌برنامه
۱۲۷	فصل دهم (برخی تجربیات اجرایی
۱۳۵	فصل یازدهم (ارزشیابی
۱۳۸	فصل دوازدهم (گزینش در دبستان میزان
۱۴۲	فصل سیزدهم (اولیاء و دبستان میزان
۱۴۸	فصل چهاردهم (مشکلات اجرایی
۱۵۵	فصل پانزدهم (افق‌های آینده
۱۵۶	فهرست منابع و مآخذ

دیباچه‌ی سخن

چه آموختن و چگونه آموزاندن از اساسی‌ترین سؤالات عرصه‌ی تعلیم و تربیت‌اند که تاکنون افراد فراوانی سعی در ارائه‌ی پاسخی مناسب به آن‌ها داشته‌اند. آنچه مسلم است، اگر برای رسیدن به پاسخ این سؤالات دنبال راه چاره‌ی مناسبی هستیم لازم است الگویی کارا و مفید را کشف و ارائه کنیم که در آن مسیر تعلیم و تربیت به درستی ترسیم شده باشد. گذشته‌ی تربیت در ایران گویای این مطلب است که گرچه تاکنون برای حل مشکلات تعلیم و تربیت تلاش‌های فراوانی صورت گرفته ولی هرگز نتیجه‌ای مطلوب عاید نشده، تا جایی که کارشناسان امر این گونه زبان به اقرار گشوده‌اند^۱ که: «نظام نوین تربیت»^۲ در کشور ما طی مراحل بنیانگذاری، توسعه و حتی به هنگام تلاش برای ایجاد تحول بنیادی در آن، تاکنون بر مبانی نظری مشخص و مدون استوار نبوده است. در این نظام تربیتی، بهره‌مندی از دستاوردهای معتبر علمی، اتکا بر نظام فکری و ارزشی اسلام و هماهنگی و سازگاری با خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و بومی کشور در اغلب موارد، نادیده گرفته شده است.



۱. رک: سند ملی آموزش و پرورش «تعلیم و تربیت»، کتاب فلسفه‌ی تربیت، پیش‌گفتار.

۲. در پیشینه‌ی علمی و فرهنگی ما از گذشته‌های دور واژه «تربیت» شامل تمام ابعاد و جنبه‌های فرآیند زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی بوده و لذا نیاز به واژه‌ی تکمیل‌کننده‌ای مانند تعلیم ندارد. مفهوم تربیت، دربردارنده و جامع تمام اجزا و عناصر مرتبط با این فرآیند (مانند تعلیم، تزکیه، تأدیب، تدریس و مهارت‌آموزی) است؛ همان‌گونه که در منابع تربیتی غرب واژه (Education) دربردارنده تمام وجوه و ابعاد این جریان است. لذا تفکیک این امر واحد به دو جریان متمایز مانند: «آموزش» و «پرورش» و یا «تعلیم» و «تربیت» مشکلات نظری و عملی فراوانی را پیش می‌آورد. بر این اساس، در این مجموعه، «تربیت» به عنوان امری جامع، شامل تمام فرآیندهای زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه‌ی آدمی در نظر گرفته شده است که به عنوان امری واحد و یک‌پارچه، با تمام ابعاد وجودی انسان به مثابه یک کل سروکار دارد. بدیهی است که هر یک از فرآیندهای زیرمجموعه‌ی این عنوان جامع نمی‌توانند در عرض آن مطرح شده و یا به عنوان رقیب آن تلقی شوند. آنچه باید رخ دهد همانا تربیت است اما با ابزارها و روش‌های متفاوت. به بیان دیگر، مراد از «تربیت» در این مجموعه، مفاد همان اصطلاح مرکب «تعلیم و تربیت» است که به غلط رایج شده و کاربرد فراوان یافته است.

۳. بر اساس آنچه در زیرنویس قبل آمده است، در این نوشتار اصطلاح «تربیت رسمی و عمومی» معادل اصطلاح رایج ولی نارسای «آموزش و پرورش» در نظر گرفته شده است (به استثناء موارد نقل قول مستقیم یا اشاره به عناوین و قوانین مصوب که برای حفظ امانت به ناچار از اصطلاح رایج بهره برده‌ایم). البته جهت انتخاب معادلی برای اصطلاح «آموزش و پرورش» متناسب با دیدگاه حاکم بر فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران از فرهنگستان زبان و

از این‌روء تلاش‌های انجام یافته طی چند دهه‌ی اخیر برای اصلاح و تحول جریان تربیت - خصوصاً نظام تربیت رسمی و عمومی^۳ (آموزش و پرورش) - با وجود مساعی قابل تقدیری که در این خصوص به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفته است، کم و بیش با مشکلات متعددی مواجه هستند که اهم آن‌ها عبارتند از:

- مغایرت و ناسازگاری نسبی با مبانی و ارزش‌های اسلامی و تعلیم تربیتی اسلام.^۴

- بی‌توجهی به مقتضیات فرهنگی و ملی جامعه‌ی اسلامی ایران.

- عدم توانایی پاسخ‌گویی نظام تربیت رسمی به نیازهای فردی و اجتماعی متربّیان.

- عدم تعامل اثربخش نظام تربیت رسمی با سایر بخش‌های فرهنگی و اجتماعی.

- فقدان جامع‌نگری و دچار شدن به یک‌سونگری، اصلاحات جزئی و بخشی و حتی تغییرات صوری در فرآیند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اجرا.

- فقدان ارتباط معنادار و عدم هم‌سویی میان کوشش‌های انجام یافته یا یکدیگر و در نتیجه وجود ناهماهنگی و حتی ناسازگاری آشکار بین سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی در بخش‌های گوناگون و زمان‌های مختلف.

- ضعف ارتباط مشخص با سیاست‌ها و آرمان‌های توسعه‌ی همه جانبه در چشم‌انداز دراز مدت کشور.

نیک می‌دانیم که ماندگارترین تعلیم در سنین کودکی رخ خواهد داد^۵، پس منطقی است که اهل فن در مهندسی مسیر تربیت در این مقطع، حساسیت‌های ویژه‌ای از خویش بروز دهند.



متخصصین تربیت کودکان خصوصاً مربیان مدارس ابتدایی همواره در ذهن خویش به دنبال یافتن پاسخ برخی از سؤالات جدی بوده‌اند؛ مثلاً:

- چرا انگیزه تحصیل در دانش‌آموزان پس از گذشت مدتی دچار افت می‌شود؟
- چرا کودکان بدون تشویق و تنبیه وظایف خود را انجام نمی‌دهند؟
- چرا ایشان با نشاط در مدرسه حاضر نمی‌شوند و اساساً مدرسه خوشایندشان نیست؟
- چرا اکثر کودکان در شناخت و به‌کارگیری توانمندی‌هایشان دچار ضعف‌اند و خود را وابسته به اولیاء خویش می‌دانند؟
- چرا کودکان از پس حل مسائل روزمره‌شان بر نمی‌آیند؟

و چندین چرای اساسی دیگر که همواره در دشواری‌های کار معلمان افزوده و باعث افت کیفیت کارشان شده است. مؤسسه‌ی فرهنگی، آموزشی «هدایت میزان» در حالی به‌عنوان نهادی خودجوش، با حضور بعضی از مجربین عرصه‌ی تعلیم و تربیت شکل گرفت که از بدو تأسیس، ارائه‌ی پاسخ‌هایی جامع و مؤثر برای این معضلات را رسالت خویش دید. این مجموعه در سال ۱۳۷۱ با تأسیس دبیرستان کار خود را رسماً آغاز نمود و پس از آن در سال ۱۳۷۹ با افتتاح مقطع راهنمایی، حوزه‌ی خدمت خویش را گسترش داد. اما هر چه می‌گذشت اهمیت کار ریشه‌ای و بنیادین برای مسئولین مدرسه بر رنگ‌تر می‌شد؛ چرا که مربیان هنگام کار با دانش‌آموزان به مشکلاتی برمی‌خوردند که ریشه در گذشته‌ها داشت، تا جایی که علی‌رغم سختی‌های فراوان اجرایی - با استعانت از درگاه الهی و توسل به مقربین درگاهش - تصمیم بر تأسیس مقطع دبستان گرفته شد.

در سال ۱۳۸۳ نهال «دبستان میزان» در غرب شهر تهران کاشته و در مهر همان سال با باران لبخندهای نوآموزان پیش‌دبستانی و کلاس اولی برای نخستین بار آبیاری شد. این دبستان از همان ابتدا با شیوه‌ای نوین و با حرف‌هایی تازه که نشأت گرفته از علم و تجربه و تدبیر مربیان و طراحان آموزشی خویش بود کار خود را آغاز نمود و موفق شد الگویی مناسب را در عرصه‌ی عمل ارائه کند که به اذعان بسیاری از مخاطبان^۱ نتایجی خیره‌کننده به همراه داشته است.

دانش‌آموزان این مدرسه در عین اینکه احساس آزادی زیادی دارند، بسیار هم منظم هستند. آنها برای یادگیری خود را مجبور نمی‌بینند و به نیکی یافته‌اند که خود مسئول کارهایشان هستند. این امر احساس مسئولیت را در ایشان بالا برده تا جایی که بدون نیاز به تشویق و تنبیه و یا تذکرات اولیاء و مربیان به انجام وظایف خویش می‌پردازند. دانش‌آموزان دبستان میزان عاشق مدرسه‌شان هستند و از بودن در آن احساس آرازش می‌کنند به‌حدی که تعطیلی مدرسه برایشان خوشایند نیست.

ادب فارسی، درخواست شده تا واژه‌ی فارسی رسا و مناسب‌تری را برای این بخش از جریان تربیت برگزیده و تعیین نماید.

۴. هر چند این مغایرت و ناسازگاری از شکل آشکار آن در نظام آموزشی پیش از انقلاب با مساعی ارزشمندی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای تهذیب نظام تربیت رسمی (در سطح آموزش و پرورش و آموزش عالی) از مظاهر و آثار ضداسلامی یا غیراسلامی انجام گرفته است تبدیل به صورتی پنهان و ظریف گشته که تنها با تحلیل عمیق و بنیادی نظام فعلی تربیت رسمی و برنامه‌های آن توسط اندیشمندان تیزبین قابل درک و تصدیق می‌باشد. بدیهی است که رفع این گونه ناسازگاری‌ها مستلزم ایجاد تحول اساسی و بنیادی در این نظام و نه اصلاحات صوری، جزئی و مقطعی در آن است که به نظر می‌رسد چنین تحولی در بیانات مقام معظم رهبری (دام ظلّه) مورد نظر بوده است.

۵. پیامبر اکرم (ص): العلم فی الصغر، کالنفّس فی الحجر. (بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۷)

۶. رک: گزارش‌های بازدید اولیاء از کلاس در کتاب پیوست و یا آرشیو دبستان میزان.

۷. اولیاء، مربیان، دانش‌آموزان، محیط آموزشی و ...

دبستان میزان برای نیل به اهداف جنبه‌های گوناگونی^۶ را مدنظر قرار داده و با رعایت «اصول خویش»، روش خود را منقّح ساخته و راهکارهای آن را تبیین نموده است. حال، از آن‌جا که هر عایدی را زکاتی است و زکات علم هم نشر آن است این مؤسسه وظیفه خویش می‌داند این الگوی عملی را در اختیار مسئولان، کارشناسان و مربیان عزیز قرار دهد تا از آن در راه اعتلای فرزندان این مرز و بوم بهره برند. از همین رو مجموعه‌ی «نگاهی بر روش میزان» در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ در شورای تدوین دبستان میزان، تنظیم و آماده گردید. اعضای این شورا عبارتند از آقایان: حمید دادگستر (مدیر مجموعه)، محمدجواد علی‌اکبریان (معاون دبستان شماره ۱) و سید حسین رحیمی (معاون دبستان شماره ۲). البته در این طرح همگی همکاران دبستان میزان مشارکت فعال داشته‌اند.

در پایان، از تمامی معلمان ارجمندی که در شکل‌گیری این روش سهم داشته‌اند و در طول سنوات گذشته، سختی‌های فراوانی را بر خود هموار ساخته بودند و نیز از اساتید عزیزی که در بازنگری این نسخه از نظرات ارزشمند خود ما را بهره‌مند ساخته‌اند، صمیمانه تشکر می‌نماییم؛ اساتیدی چون: دکتر علی‌اصغر احمدی، دکتر علیرضا قویدل، حجة الاسلام محسن علی‌اکبریان، دکتر محمدرضا نیلی، دکتر بهروز نظری، استاد مهدی یزدانیان و جناب آقای سید مهدی فاطمی.

باشد که مورد قبول صاحب واقعی کار قرار گرفته

و مؤثر افتد.

با تشکر

دبستان میزان



بر خلاف گذشته، حیطه‌ی آموزش به‌علت پیشرفت علم و تکنولوژی به‌حدّی گسترده شده که نه کسی می‌تواند علوم مختلف را آموزش دهد و نه کسی ادعا می‌کند که به همه‌ی علوم و حرفه‌های گوناگون آگاه است. اگر در زمانی یادگیری به‌معنای کسب دانش و مهارت بود، امروزه یادگیری توان فرد در حل مسائل آموزشی و پرورشی است. کسب علوم و فنون در دنیای پیچیده‌ی امروز، نیاز به روش‌های آموزشی نوین به جای روش‌های آموزشی سنتی و غیرکارآمد دارد. به همین جهت وظیفه‌ی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به‌خصوص معلمان که در خط مقدم هدایت شاگردان به‌سوی کمال و رشد قراردارند، سنگین‌تر شده است. اما انتقال از روش‌های سنتی و بعضاً غیرکارآمد به روش‌های نوین تدریس به‌سادگی امکان‌پذیر نیست، زیرا مسئولان آموزش و پرورش، مدیران معلمان و والدین عموماً به‌دنبال روش‌هایی هستند که خود با آن خو گرفته و پرورش یافته‌اند. آن‌ها آمادگی کمی برای تحول و ایجاد روش‌های جدید تدریس دارند، زیرا روش تدریس نوین مستلزم تحمّل پیامدهای مبهم و عواقب نامشخص است و قبول چنین ریسک و خطری از توان بسیاری از افراد خارج است. این محافظه‌کاری‌ها باعث شده تا نظام آموزشی ما فاصله‌ی زیادی بین وضع موجود و وضع مطلوب در نظام تعلیم و تربیت اسلامی داشته باشد. گریزان بودن دانش‌آموزان از مدرسه، دلهره امتحان، بی‌ رغبتی معلمان و یکنواختی جلسات تدریس مصادیقی از نتایج روش سنتی تدریس است. عوامل متعدّدی در گذر از نظام سنتی به نظام فعال مؤثر است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تغییر روش‌های تدریس معلمان است. عشق و علاقه معلمان به رسالت واقعی خویش، رشد شخصیت معنوی و حرفه‌ای در آنان، آگاهی آن‌ها از روش‌های تعلیم و تربیت و علوم وابسته، شناخت عمیق شاگردان و اتخاذ روش‌های تدریس متناسب با ویژگی‌های آن‌ها، ایمان به استعدادهای خدادادی نهفته در شاگردان و تلاش برای شکوفایی آنان و تبدیل محدودیت‌های موجود در نظام آموزشی به فرصت‌ها، نمونه‌ای از قطعات پازلی است که با چینش صحیح آن‌ها روش‌های خشک تدریس به روش‌های فعال و پویا تبدیل می‌گردد.

ما باید در فعالیّت‌های آموزشی به این باور قلبی برسیم که وظیفه‌ی ما تنها انتقال یافته‌های دیگران به شاگردان نیست بلکه «ایجاد موقعیت مطلوب یادگیری»، «آموزش چگونه اندیشیدن و تقویت خودیادگیری»، «تفکر نقاد»، «زمینه‌سازی برای کسب تجارب صحیح»، «رشد اعتماد به نفس و عزّت نفس»، «پرورش روحیه‌ی مشارکتی و گروهی» و «آموزش مهارت‌های زندگی» از جمله رسالت‌های مهم ما است. علی‌رغم وجود

حجم قابل توجه منابع اطلاعاتی که در اختیار بشر قرار دارد، متأسفانه در زمینه‌ی چگونگی استفاده و پردازش صحیح آن‌ها در ذهن، کار قابل توجهی نشده است. بر این اساس است که روش‌های تدریس مرسوم که فقط ناقل علوم است، کارایی لازم را ندارند.

مجموعه‌ی پیش‌رو، حاصل تلاش‌های چند ساله‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی، آموزشی هدایت میزان است که با وجود کاستی‌های نظام آموزشی تلاش کرده تا از کاستی‌ها فرصت‌سازی نماید. این مؤسسه با در نظر گرفتن چهارچوب کلی نظام آموزشی از روش تدریس پیشرفته «یادگیری اکتشافی» که بر پرورش توانایی‌ها بنا شده در کلاس درس استفاده می‌کند. دست‌آوردهای این تلاش‌ها مجموعه‌ای از تجارب دلسوختگان عرصه‌ی تعلیم و تربیت و با استفاده از مزایای علمی موجود در حیطه‌ی مباحث علوم تربیتی و با تأکید بر کاربرد آن‌ها با توجه به زمینه فرهنگ اسلامی و ایرانی است. روش غالب در این مدرسه بر اساس «یادگیری اکتشافی هدایت‌شده» (Guided Discovery Learning) است.

در این روش، شاگرد محور و مرکز ثقل فرآیند یادگیری است. در روش اکتشافی هدایت‌شده یادگیرندگان تشویق می‌شوند تا به کمک پرسش‌ها و راهنمایی‌های معلم به درک و فهم مطالب برسند. در این روش به یادگیرندگان هم استقلال و هم مسئولیت لازم برای کشف مفاهیم و برقراری ارتباط بین آن‌ها داده می‌شود. معلم به جای این که پاسخگوی تمام سؤال‌های شاگردان باشد، زمینه مناسب را فراهم کرده تا آنان خود به پاسخ لازم برسند. ایجاد مهارت‌های خوب درک کردن مانند خوب دیدن، شنیدن و لمس کردن، جمع‌آوری داده‌ها، فرضیه‌سازی، آزمایش فرضیه‌ها، نتیجه‌گیری و انتقال مطالب در موقعیت‌های جدید از عناصر مهم روش یادگیری اکتشافی است. در چنین رویکردی شما دانش‌آموز را به مثابه دانشمند کوچکی در نظر گرفته‌اید که قادر است مشکلات خود را (اعم از علمی، مهارتی، ارتباطی، عاطفی و...) حل کند و راه را برای فعال و مؤثر بودن در آینده فراهم کند. یادگیری او عمقی و در سطوح عالی شناختی با توجه به نیازهایش، کاربردی می‌شود.

امید است این مجموعه بتواند نقشه‌ی راهی برای مشعل‌داران عرصه‌ی تعلیم و تربیت و معلمین باشد تا با اتخاذ روش‌های نوین تدریس از رسالت خویش پاسداری کرده و زمینه‌ی رشد همه جانبه نونهالان و جوانان را بیش از گذشته هموار سازند.

دکتر محمدرضا نیلی

عضو هیأت علمی و استادیار

دانشگاه علامه طباطبائی



فصل اوّل

تعریف تربیت

تربیت، کشف و پرورش همه‌ی استعدادهای بالقوه‌ی مثبت انسان^۱ و ایجاد هماهنگی بین آنها جهت رسیدن به قرب الهی^۲ است که لازمه‌ی آن گذر از حس به عقل (تقویت تعقل) و حقیقت‌طلبی است؛ به‌طوری که نگرشی توحیدی را موجب گردد.

گذر از حس به عقل و حقیقت‌طلبی یعنی رسیدن از ظواهر به بطون و حقایق امور. قسمی از تربیت با بسترسازی مناسب توسط خانواده و مربیان پیگیری می‌شود و قسمی دیگر با توجه خود متربیان و شکوفا کردن استعدادهای بالقوه‌ی خویش به منصه ظهور می‌رسد.

حوزه‌های تربیت (اهداف کلی)

به‌نظر می‌رسد تربیت باید در پنج حوزه به‌طور همزمان اعمال گردد:

۱. حوزه‌ی اخلاقی - معنوی

۲. حوزه‌ی آموزش علوم

۳. حوزه‌ی اجتماعی - ارتباطی

۴. حوزه‌ی عاطفی

۵. حوزه‌ی بدنی و بهداشتی

۱. حوزه‌ی اخلاقی - معنوی

عبارت است از تقویت و هدایت فطرت خداجوی انسان، به نحوی که بتواند علاوه بر شناخت مفاهیم اخلاقی

